

# اوپانیشادها، منشا تجلیات معنوی هند

فرزانه اعظم لطفی

fazamlotfi@ut.ac.ir

دکتری زبان، ادبیات و فرهنگ اردو، دانشگاه تهران، ایران

## چکیده

«اوپانیشادها»<sup>۱</sup> بخش آخر «وداها»<sup>۲</sup> است که آن را «ودانتا»<sup>۳</sup> یا «پایان ودا» خوانده‌اند. در تقسیم‌بندی آثار مقدس کیش هندو اوپانیشادها را جزو نوشته‌های الحاقی «آرانیاکاها»<sup>۴</sup> می‌دانند. سرایندهگان اوپانیشادها بنابر سنن هندوان، فرزندگان و شنوندگان احکام حق «کاواپا ساتیاسروتاه»<sup>۵</sup> بودند که در قعر و انبوه جنگل‌های بکر هندوستان خلوت می‌گزیدند و به خویشتن کاوی می‌پرداختند. آنها تجارب معنوی را [که از مبدأ فیض ایزدی] بدان‌ها الهام می‌شد و با علم حضوری و اشراق در وجودشان شریان می‌یافت به سیاق وحدت وجود ابراز می‌داشتند و به لباس جملات مرموز می‌آراستند و در قالب افکار ترکیبی و فشرده می‌ریختند. دوران جنگل‌نشینی که با رساله‌های «آرانیاکاها» آغاز شد به اوپانیشادها انجامید که می‌توان از آن به تعبیری به دوران آموزش و پرورش در انبوه جنگل یاد کرد. براساس نظریه «ماکس مولر»، اوپانیشادها تعلیمات شفاهی است که مرشدان به مریدان نزدیک خود می‌دادند. باید دریافت که اکثر مکاتب مهم نظری در هندوستان و حتی بودیسم از اوپانیشاد سرچشمه گرفته است. این پژوهش در نظر دارد با توجه به بحث اصلی در اوپانیشاد به اثبات معنویات خاص و تزکیه نفس و حقیقت یگانه در دوران کهن هند بپردازد.

## واژگان کلیدی

اوپانیشاد، تجلیات معنوی، حقیقت درون، آتمن، برهمن، معرفت خودی.

## مقدمه

آتمن "نمود" اوست و عاقبت نیز همه به او رجعت می‌کنند. «آچارچ»<sup>۱۱</sup> فیلسوف و بزرگترین معلم مکتب ودا می‌گوید: برهمن نه کلی است و نه جزئی؛ نه کوتاه است نه بلند؛ نه مرطوب است و نه خشک؛ نه سایه است و نه تاریک؛ نه هوا است و نه آکاش (آسمان)؛ لمس شدنی نیست؛ چیزی به او متصل نیست؛ بو ندارد، چشم و گوش ندارد... (نائینی، ۱۳۸۱ج ۱: ۸۹). مهم‌ترین بحث اوپانیشاد وحدت آتمن و برهمن است. یعنی آتمن عین برهمن و برهمن آن حقیقت یگانه مطلق است که غیری ندارد و عین هستی است و غیر او گمان و خیالی بیش نیست. در تعالیم اوپانیشاد، تقوا ملاک برتری انسان‌هاست. اگرچه قدمت این اثر گراندقدر به سال ۸۰۰ قبل از میلاد می‌رسد اما اندیشه و تعمیق آن مورد توجه تمام اندیشمندانی است که از سیستم طبقاتی و فرادستی و فرودستی به تنگ آمده و برای رهایی از این معضل تنها طالب حقیقت محض‌اند.

اوپانیشاد برای روحانیون و کهنه، مقامی قابل نیست و این در حالی است که مرشدان اغلب از طبقه برهمن (روحانی) نبودند؛ بلکه از طبقه کشتیریا (سپاهی) بوده‌اند. در مذهبی که اوپانیشاد تعلیم می‌دهد نه تثلیث برهما، ویشنو و شیوا وجود دارد (تصاویر ۱ تا ۳)، نه زیارتگاه و معابد مقدس که خانه خدا یا خدایان شمرده شود. اوپانیشاد در جستجوی حقیقت است و از راه منطقی و عقل

تصویر ۱. برهما، رب‌النوع خلق. مأخذ: [www.lotussculpture.com](http://www.lotussculpture.com)



اوپانیشاد گاهی به معنی دانایی یا معرفت آمده است. معرفت و دانایی شخص را قادر می‌سازد که خود را بشناسد یعنی نادانی را از بین ببرد. ریشه «سد» با پیشوند «اوپ» مجموعاً نشان فروتنی و تواضع است که شاگردان هنگام رسیدن به حضور استاد از خود نشان می‌دهند (Joshi, 2006: 3). امروزه بیش از ۲۰۰ اوپانیشاد مختلف موجود است اما تعداد رسمی آنها در «موکتیکا اوپانیشاد»<sup>۶</sup> ۱۰۸ اوپانیشاد قید شده است (نائینی، ۱۳۸۱ج ۲: ۱۰۰). ترجمه حدود ۵۰ اوپانیشاد به زبان فارسی در زمان حکومت شاه جهان (سده ۱۳ هجری) توسط فرزندش داراشکوه و به یاری پندت‌ها یا روحانیون معابد انجام شد که آن را «سر اکبر» نامیدند. اوپانیشاد در اصل سرود حقیقتی است که انسان در دوره کهن قدرت زمزمه آن را داشته است. اوپانیشاد می‌گوید حقیقت در درون ماست. واژه عرفانی «اهم برهما اسمی»<sup>۷</sup> شطح صوفیانه «انا الحق» حسین حلاج عارف بزرگ ایرانی را تداعی می‌کند.

## اوپانیشاد، فلسفه خودشناسی و خداشناسی

اوپانیشاد دستور پایان لداید زودگذر دنیای فانی را از روزگار کهن هند به میراث گذارده است. همان تعلق بی‌مقدار که در نتیجه جهل و خودخواهی، انسان را از دانش و غایت حیات ابدی باز می‌دارد و در نهایت خداشناسی است.

در این متون مراسم و تشریفات مذهبی ودایی و سیستم و نظام طبقاتی منظور شده است. قربانی نه کشتن کورکورانه بشر در مقابل خدایان ساختگی ذهن بلکه قربانی یعنی از خودگذشتگی، دعا، نماز، تفکر و تعمق در حقیقتی که ماورای همه چیز است و درون ماست.

اوپانیشاد با یک سفر درونی آغاز می‌شود اما برای سفر درونی می‌بایست مقدمات اخلاقی و یا کرم<sup>۸</sup> و اعمال نیک آماده باشد. برای نیل به «مکشا»<sup>۹</sup> یا رهایی و آغاز از روزمرگی و پلیدی دنیای زودگذر می‌بایست تفکر و تعمق را به سوی خودشناسی سوق داد. موضوع اصلی و اساسی اوپانیشادها برهمن است. آنکه زمان و مکان و ملت را در آن اثری نیست.

از آنجایی که هندوئیسم بر پایه قربانی و نظام طبقاتی استوار است لذا هندوان به فلسفه و مباحث عقلی توجه و بهایی نمی‌داده و به فراگیری اوپانیشاد نیز رغبتی نشان نمی‌دادند.

تعالیم اوپانیشاد توسط برهمنان عاقل و آنانکه فلسفه خودشناسی را درک کرده بودند محرمانه و پنهانی پس از آزمایش‌های سخت تعلیم داده می‌شد تا مبادا به دست نامحرمان و ناهالان یا به قولی "تیغ دادن در کف زنگی مست" بیفتند.

اصل و اساس اوپانیشاد حقیقت مطلق و وجود ناب است که از آن «برهمن» یا «برهما»<sup>۱۰</sup> تعبیر می‌شود.

برهمن سرچشمه هستی و عین هستی است. برهمن "بود" و

آن را دنبال می‌کند و هیچکس را به علت دین، طبقه و یا رنگ از پیروی این طریقت باز نمی‌دارد. در حقیقت این نعمت و مزیت چیزی نیست که به افراد خاص اعطا شده و دیگران از آن محروم باشند. علم خویششناسی و فهم حقیقت حق مسلم هر فرد بشری است (همان : ۳۰۶). در تفکر هندوئیسم، به لحاظ مطالعاتی و سلسله تقدم و تأخر قرائت متون مقدس، اوپانشادها معمولاً در آخر می‌آیند. هندوان به عنوان یک قاعده کلی نخست خواندن وداهای چهارگانه را آغاز می‌کنند.

سپس برای ورود به حیات علمی دینی به سراغ براهمانا (رسالاتی منشور در بحث معانی و تفسیر مراسم قربانی و سایر آداب و تشریفات مذهبی مشتمل بر توضیحات اعمال بید) می‌روند تا از دستوره‌های آنها درباره انجام آیین و مناسک دینی استفاده کنند و بالاخره نوبت به اوپانشادها می‌رسد. خواندن اوپانشادها برخلاف برهماناها که متعلق به دوران جوانی است، هنگامی آغاز می‌شود که فرد به پایان عمر خویش نزدیک شده و برای فهم معنای زندگی و اندیشه درباره راز هستی، در اعماق جنگل‌ها به خلوت و انزوا پناه برده است.

اوپانشاد چیزی است که جهل را نابود می‌کند، انسان را به خدا نزدیک می‌سازد و یا موجب تقرب انسان به آموزگار می‌شود. این تعلیمات، خواندن و فراگیری آن و سیر و سلوک در مقامات آن مخصوص خواص (نه از نظر طبقاتی) است که سلسله مراتب را طی کرده باشند، چنانکه عرفا و صوفیه نیز چنین راه و رسمی دارند. سؤال آن است که این خدا چگونه خدایی است؟ هندوان که پایبند بر ثنویت هستند چگونه به وحدت و یگانه دانستن یک خالق هستی روی می‌آوردند. مسئله اصلی و مورد اختلاف ماهیت رابطه میان نفس<sup>۱۲</sup> و خدا<sup>۱۳</sup> چیست؟ کسانی مانند «مادهوا»<sup>۱۴</sup> معتقدند نفس و خدا دارای دو ماهیت جداگانه‌اند، این دیدگاه را دوگانه‌انگاری<sup>۱۵</sup> می‌نامند.

برخی دیگر همچون شانکارا<sup>۱۶</sup> معتقدند که این دو مطلقاً یکی و همانند هستند؛ نفس همان خدا و خدا عین نفس است به این دیدگاه «وحدت‌انگاری»<sup>۱۷</sup> می‌گویند. برخی دیگر مانند «رامانوجا»<sup>۱۸</sup> بر این باورند که رابطه نفس با خدا مانند رابطه جز با کل است این دیدگاه را «وحدت‌انگاری مکیف»<sup>۱۹</sup> می‌نامند. هندوان اگرچه در ستایش رب‌النوع‌های گوناگون چون آگنی (خدای آتش) و ایندرا (خدای رعد) سرآمدند؛ اما چنان‌که در ریگ ودا به طور صریح و آشکار آمده، خدایان متعدد صرفاً تجلیاتی از یک حقیقت واحدند.

یکتاپرستی هندی در تمام اشکال زنده و حاضر خود از دوران ودایی گرفته تا عصر حاضر به تجلیات گوناگون خدا معتقد و به وحدت همه آنها در خداوند یگانه باور داشته است. بنابراین وحدانیت یا یکتاپرستی هندی دارای خصیصه‌ای است که آن را از یکتا پرستی مسیحی و اسلامی متمایز می‌سازد.



تصویر ۲. ویشنو، رب‌النوع بقا. مأخذ : [www.lotussculpture.com](http://www.lotussculpture.com)



تصویر ۳. شیوا، رب‌النوع فنا. مأخذ : [www.lotussculpture.com](http://www.lotussculpture.com)

ما برای خشم و قهر خداوند تمثیلی قابل نیستیم اما در هندوئیسم قهر معبود با رقص شیوا «تاندوا»<sup>۲۰</sup> و روشن شدن چشم سوم وی



تصویر ۴. الهه شاکتی، تجلی قدرت و نیرو. مأخذ: [www.lotussculpture.com](http://www.lotussculpture.com)

آشکار می‌شود. قدرت و نیرو با تجلی الهه «شاکتی»<sup>۲۱</sup> در قالب تندیس در معابد به چشم می‌خورد (تصویر ۴). اگرچه در قانون اساسی هند، حکومت غیر دینی تعریف شده اما دین در هند بسیار پویا و روان است به گونه‌ای که حکمت و اخلاقیات نهفته در اوپانیساده‌ها منجر به بیداری دینی و اصلاح‌طلبی در سده نوزدهم نیز شد. رهبران نهضت‌های اصلاح‌طلب که از ثمره‌داشتن ارثیه دینی و فلسفه مترقی وادها و اوپانیساده‌ها به خود می‌بالیدند به رهبری «رام موهن روی» برای اولین بار نهضت اصلاح‌طلبانه «برهوسماج» را در سال ۱۸۲۸ م بنیان نهادند. رام موهن از طبقه برهمن بنگالی برخاسته بود. او که مطالعه هر دو فلسفه شرق و غرب را به خوبی به انجام رسانیده بود با الهام از فلسفه معرفت اوپانیساده‌ها به یک خدای فارغ از ادیان و مذهب، خالقی متعالی اعتقاد دارد که به خاطر ماهیت وصف ناپذیریش غیرقابل شناخت است.

وی مخالف عادات غلطی چون ازدواج کودکان و ستی (سوزاندن زنده زن پس از فوت همسر) بود که هیچ‌کدام در اوپانیساده‌ها مبنایی ندارند. او سرسختانه با این رسوم غلط به مبارزه پرداخت و اعمال مربوط به برگزاری مناسک «پورانایی»<sup>۲۲</sup> و «تنتراهی»<sup>۲۳</sup>

به ویژه نیایش در برابر تندیس را محکوم کرد. وی هیچ علاقه‌ای به دین رایج از خود نشان نمی‌داد و صرفاً مفهوم اوپانیسادی خدا را به مثابه یک مطلق غیر شخصی قبول داشت و با حکمت اوپانیسادی با هندوان متعصب که خدای شخصی را بخش مهم تجربه دینی خود به حساب می‌آوردند مبارزه می‌کرد. پس از رام موهن، «دیاندسرسوتی» (۱۸۸۳-۱۸۲۴م) دومین نهضت اصلاح‌طلبانه با عنوان «آریاسماج» را در سال ۱۸۷۵ بنیاد نهاد. این نهضت نیز بر پایه علم خویش‌شناسی و فهم حقیقت به مبارزه علیه تعصبات فرقه‌گرایانه و فرادستی و فرودستی طبقات هند پرداخت و بحث برابری طبقات نه براساس نژاد بلکه بر اساس کرم یا اعمال نیک را مطرح کرد (بدیعی، ۱۳۸۲: ۱۴۹).

این فلسفه و دیدگاه یگانه‌پنداری و دوری از ثنویت و تعلیماتی برخاسته از آن، «میرزا منوهر توسنی» اولین شاعر پارسی‌گوی غیر مسلمان را به شاعری معتقد به وحدت‌الوجود محور تبدیل می‌کند. وی می‌گوید:

از اثر یک نگه اوست مست

هم بت و هم بتکده هم بت پرست

ناگفته نماند که نفوذ و حاکمیت ۸۰۰ ساله زبان فارسی و تفکر اسلامی، بستری مناسب را برای تعامل مذاهب و پیوند صوفیان مسلمان و هندو در زمان اکبرشاه (قرن نهم هجری) فراهم ساخت و برهمنانی همچون «سوامی بهوپت رای بیراگی» را به سرودن اشعاری در باب وحدت انسان و خدا واداشت. از آنجا که برهمنان تنها متصدیان امور دینی بودند، برایشان سخت بود که از تفکری غیر از هندوئیسم پیروی کنند اما «بیراگی»<sup>۲۴</sup> شاعر هندو از برهمنی تندرو به نام «شنکر آچاریه» حادثه‌ای نقل می‌کند:

روزی شنکر در کنار رودخانه مشغول استحمام بود که خاکروبی از طبقه نجس و پست جامعه، لباس‌های خود را در کنار البسه او قرار می‌دهد. این کار باعث آزرده‌گی عالم برهمن می‌شود چنانکه با سرعت تمام لباس‌های خود را به قصد تطهیر در آب رودخانه می‌شوید، خاکروب نیز همزمان لباس‌هایش را در آب رودخانه فرو می‌برد که این بار برهمن بیشتر عصبانی می‌شود. اما گویا کار از کار گذشته بود و آب رودخانه بدون توجه به طبقه اجتماعی، لباس‌های هر دو نفر را تطهیر کرده بود! بیراگی شاعر و برهمن که از حکمت اوپانیساده در کنار حکمت تصوف اسلامی، زبان فارسی و شاعران عارف ایرانی بهره برده از زبان خاکروب می‌گوید:

کافر و مؤمن، فرنگی و یهود

ارمنی و گبر و ترسا و جهود

جلوه‌های ذات من هست ای جوان

غیر ذاتم کیست را کون و مکان

و از قول شنکر برهمن می‌گوید:

خویش‌شن را این زمان بشناختم

هرچه شده است و هست و خواهد شد همه اوم است و هرچه برتر از این سه زمان است همه اوم است و این همه برهم است و «جیواتما» هم برهم است. اوم را که برهم است با جیواتما، یکی کرده و جیواتما را با برهم که اوم است یکی کرده و همین یکی را که پیری ندارد و بی مرگ است و بی زوال است.

در پریاتای هشتم کهند ۱۲ آمده است: پرجاپت گفت: این بدن میرنده است و مرگ این را مضبوط گرفته است؛ آتما نامیرنده و منزه است از بدن و محل آن آتما این بدن است. وقتی که آتما به بدن تعلق گیرد، آن زمان لذت و الم را درمی یابد و تا آتما به بدن تعلق دارد از لذت و الم خلاصی ندارد و وقتی که تعلق این بدن را گذاشت او را نه لذت است و نه الم همین آتما به سبب تعلق به بدن جیواتما نام دارد. در اپنکهت ایشا باس<sup>۳۱</sup> از یجروید بند ۱۸ آمده است: ای «اگن»، ای ذاتی که صورت نوری، ما را به راه نیک ببر و به دولت و بزرگ و رستگاری برسان. ای که داننده عمل‌های ما

اید، گناهان ما را بیمارزید، تو را بسیار تواضع است. هرکه مکت (رها و آزاد) و رستگار می‌شود جمیع حواس ظاهری و باطنی بدن لطیف او بعد از مردن «در هرن گریهه»<sup>۳۲</sup>، که مجمع عناصر صرف است، محو می‌شود و جیواتمای او با آتما یکی می‌شود و بدن کثیف او خاک می‌شود و وقت مردن گیانیمان (عالمان) و عارفان اعمال و نتیجه اعمال خود را می‌گویند که ای اعمال ما، ما را یاد خواهید کرد و ای نتایج اعمال ما، ما را یاد خواهید کرد؟ که ما را هرگز نظر بر عمل و نتیجه آن نبوده است و به نور ذات می‌گویند که ای «جوتی سروپ»<sup>۳۳</sup> یعنی ای ذاتی که صورت نوری، ما را به راه نیک ببر و به دولت بزرگ رستگاری برسان که تو داننده همه عمل‌های مایی و گناهان ما را بیمارز. تو را بسیار نمشکار.

سر به اوج معرفت افروختم  
پیش از این چشم خرد بود و موج بین  
بحربین شد این زمان چشم از یقین  
بیراگی که «بی‌غم» تخلص داشت در سرودن مثنوی خود  
تصوف اسلامی را با فلسفه ویدانت و اصل کلی وحدت‌الوجود  
پیوند می‌دهد:

بی‌غم سخن عشق به جز یار مگو  
سری است سر کوچه و بازار مگو  
گر جمله جهان از تو حقیقت پرسند  
زنهار جز اقرار ز انکار مگو  
ای دل اگر آن عارض دلجو بینی  
ذات جهان را همه نیکو بینی  
در آینه کم نگر که خودبین نشوی  
خود آینه شو تا همگی او بینی (Abdullah, 1992: 1341).  
در تفکر کهن هندی اعجاب‌برانگیز این است که چگونه در  
مراحل ابتدایی از فرهنگ بشری ذهن انسان به درجه‌ای از  
اوج فکری رسیده که خودشناسی و خداشناسی را دریافته  
است؟!

مثال‌هایی از متون کهن اوپانیشادها موجود است که در  
یجروید<sup>۳۴</sup> بند ۱۷ آمده است (نایینی، ۱۳۸۱ ج ۲: ۴۲۵):  
و شما که صاحب نباتات هستید نمشکار نمشکار<sup>۳۵</sup>  
و شما که صاحب همه نفع‌ها و سودها اید نمشکار نمشکار  
و شما که صاحب برّ و بحرید نمشکار نمشکار  
و شما را که پهن‌کننده زمین اید نمشکار نمشکار  
و شما که دهنده دولت‌ها اید نمشکار نمشکار  
و شما که در همه جا اید و هیچ‌جا نیست که شما به آنجا نرسید  
نمشکار نمشکار

و ...  
در این بند بیش از ۵۰۰ بار درود و سلام بر یگانه واحدی  
فرستاده می‌شود که صاحب همه چیز است و از همه بی‌نیاز.  
این بیان زیباترین تجلی فکر متعالی بشر در دوره کهن  
هندوستان را زنده می‌کند.

در «اپنکهت تیچ بندو»<sup>۳۶</sup> بند ششم آمده است: و سه چشم  
و سه صفت دارد و مکان همه است و دارنده سه عالم است  
و بی‌صورت است و بی‌حرکت و بی‌شک است و به خود قائم  
(بدون شکل) و به چیزی محتاج نیست (همان: ۴۲۱).

در بند هفتم: و هیچ صفت و رنگ دیگری در او اثر نکند و  
همه صفت‌ها و رنگ‌ها در او است. در بند دهم: نادانان او را  
نیست می‌دانند. نیستی به او نمی‌رسد او همیشه هست.

در «اپنکهت نرسگهه»<sup>۳۸</sup> از اتهروید کهنداول بند اول آمده است:  
"همه فرشته‌ها به «پرجاپت»<sup>۳۹</sup> گفتند: «آتما» که از هر  
لطیف، لطیف‌تر است و عین «اوم»<sup>۴۰</sup> است، آن را به ما بیان  
کنید. پرجاپت قبول کرده و گفت: که این همه عالم اوم است

## نتیجه گیری

اوپانیشاد با دستورات و حکمت‌های پندآموز خود منشأ تجلیات معنوی هندوستان از روزگار کهن تاکنون بوده است. همانطور که در ریگ ودا عبارتی صریح و آشکار می‌گوید که خدایان متعدد صرفاً تجلیاتی از یک حقیقت واحدند؛ در اصل تت توم اسی "توهمانی"، هویت ذاتی، اساس و پایه تزلزل‌ناپذیر همه مباحث متافیزیکی اوپانیشادهاست. با وجود تنوع مقاصد و اختلاف منشأ رب در اوپانیشادها، همواره تمایلی به عقیده اصالت وحدت (مونئیسم) مشاهده می‌شود.

یکتاپرستی هندی در تمام اشکال زنده و حاضر خود از دوران ودایی گرفته تا عصر حاضر به تجلیات گوناگون خدا معتقد و به وحدت همه آنها در خداوند یگانه باور داشته است. بنابراین وحدانیت یا یکتاپرستی هندی خصیصه‌ای است که آن را از یکتاپرستی مسیحی و اسلامی متمایز می‌سازد.

فلسفه اوپانیشاد به تمامی سؤالاتی که متفکران و حکما در دوران کهن در ذهن می‌پروراندند پاسخ می‌دهد. این سؤالات عبارت است از: حقیقت چیست؟ کیهان مظهر و نمودار چیست؟ آیا هستی به خودی خود صاحب حقیقت است یا آنکه فقط مظهر و نمایش وهمی است؟ آیا اعمال و افکار بشری مبتنی بر احساس حقیقت است یا بر پایه پندار؟ حیات انسانی چه معنایی دارد؟ اوپانیشادها به طور کلی در یک قضیه اصلی ثابت است: کل اشیاء خواه مادی یا معنوی، اعم از صور بشری، حیوانی و نباتی، اجرام آسمانی، ارواح مجرد و خدایان، همه و همه در دریای حقیقت وحدت غرق هستند. آن عالم، مافوق محسوسات است و منتهای عالم ماده و ذاتی غیرمحدود و قائم به نفس است و او خداست و بس.

## پی‌نوشت

۱. Upanishad: از کلمات سانسکریت اوپ (upa: نزدیک) و "نی" (ni: پایین) و "سد" (sad: نشستن) ترکیب شده است که در اصل به معنای نشستن شاگرد در سطحی پایین‌تر از استاد برای فراگیری علوم سرّی است. «ماکس مولر» بر این باور است که این مکتب تفکرات بشری را به درجه‌اعلای خود رسانیده است.

۲. Veda: کتاب‌های ودا نخستین منشأ افکار هندو است. کلمه ودا در سانسکریت از ریشه دانستن و معنی اصطلاحی آن دانش الهی یا علم است. کتب ودا را «شروتی» نیز می‌نامند. این واژه اخیر به معنی دانش مسموع و در مقابل واژه «سمیرتی» است که مفهوم آن بر دانش دریادمانده و یا علم محفوظ دلالت می‌کند. مقصود از اولی علم مستقیم است که میدا آن خارج از بشر بوده و در نتیجه تفکر به دست نیامده باشد و منظور از دومی دانشی است که دست به دست و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در واقع میراث معلمین و پیشوایان باستانی است. کتب ودا در نظر غالب هندوان، حکم وحی منزل الهی و کتاب ابدی را دارد، تعلیمات آن جامع و کاملاً قابل فهم و بالاترین مدرک و سند مذهب است. این تعلیمات بر جمیع زندگانی هر فرد حاکم است و وظایف او را در هر وضع و شکل از زندگانی و در تمام مراحل عمر، از تولد و جوانی، آموزش و پرورش و ازدواج و مرگ معین می‌کند و مرجع کلیه آداب و مقررات فردی و اجتماعی است. همه قوانین قضایی و دستگاه‌های اجتماعی براساس آن مقرر است. مراسم و تشریفات مذهبی، آداب و رسوم نمازها و ادعیه و قربانی‌ها تابع آن بوده و بالاخره میدا و پایه کلیه مکتب‌های اصول عقاید و فلسفه است. وداها عبارت است از چهار کتاب مختلف که شامل مقدار زیادی نوشته و رسالات فلسفی و یا تفسیر است که مجموع این نوشته‌ها به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

۱. سمهیتا ۲. براهمانا ۳. آرنیکا ۴. اوپانیشاد
- کتب چهارگانه ودا عبارت است از:
- ریگ‌ودا: مشتمل بر ۱۰۲۸ ریچ یا قطعه منظوم ستایش است - این قطعات عبارت است از سرودهایی که در ستایش خدایان و نیایش آنان سروده شده. ریگ ودا در واقع ودای شعر است.
- ساماودا: اغلب تکرار همان اشعار ریگ وداست ولی دارای ۷۵ قطعه اصلی نیز است که برای سرودن در هنگام انجام تشریفات قربانی سوم مرتب شده است. ساماودا، ودای آهنگ‌ها است.
- یجرودا: شامل قطعات نظم و نثری است که مربوط به قربانی‌های متعدد و در حقیقت ادعیه قربانی‌ها است.
- آتھرودا: از حیث تاریخ مؤخر بر سه بید دیگر است و مربوط به رضاء و اقیان دیوها و ارواح پلید است.

۳. Vedanta: آخر ودا- ودانتا در واقع تنها نماینده مذهب وحدت وجود هندو در عصر معاصر است. موجد این مکتب ویاسا (Vyasa: بیاس) است که او را بادراین (badarayana) هم می‌گویند. معلم بزرگ این فلسفه شنکر آچارج از مردم "مالابار" بوده است. (نانینی، ج ۲، ۱۳۸۱: ۶۰۹).

۴. Aranyaka: منسوب به جنگل - ساکن جنگل - نام بعضی از نوشته‌های مذهبی و فلسفی که معنی عرفانی مراسم دینی را بیان کرده و درباره ذات و صفات خداوند بحث می‌کند. این نوشته‌ها، از ملحقات براهماناست و منظور از آنها این است که براهمه در جنگل عزلت می‌گزیدند. به مرور ایام بعضی از آرنیک‌ها از بین رفته ولی هنوز چهار آرنیک به اسامی زیر در دست است:

- برهد آرنیک (brihad aranyaka)
- تیتربه آرنیک (aranyaka taittiriya)
- ایتربه آرنیک (aitareya aranyaka)
- کشیتکی آرنیک (kaushitaki aranyaka)

آرنیک‌ها ارتباط بسیار نزدیکی با اوپانیشادها دارند و گاهی نام اوپانیشاد و نام آرنیک به جای یکدیگر به کار می‌روند. نوشته‌های آرنیک برای آن طبقه از مردم فراهم آمده که خود را وقف تفکر و تعمق در مسایل معنوی و فلسفی عالیه کرده‌اند. آرنیک‌ها از نظر قدمت و کهنگی سپیده دم فکر را آشکار می‌سازند (نانینی، ج ۲، ۱۳۸۱: ۴۹۴).

۵. caviya satiya sarvata Upanishad: اشعاری که از طریق شنیداری حفظ شده است.

۶. kuktika-Upanishads: یکی از نام‌های اوپانیشاد که خود شامل ۱۰۸ اوپانیشاد است. تاریخ تنظیم و یا تالیف موکتیکا اوپانیشاد نیز به خوبی روشن نیست (همان: ۱۰۰).

۷. asami Aham brahma: من برهما هستم؛ اَهم = من، برهما = خدا و اسمی = هستم.

۸. Karam: کرم / کرمن karman: عمل، کار، کردار. بنابر عقیده هندوان کرم یعنی نتایجی که بر اثر کردار و رفتار بشر از نیک و بد یک زندگی به زندگی دیگر منتقل می‌شود و اثر آن در حیات بعدی نمودار می‌شود (بدیعی، ۱۳۸۲: ۴۸).

۹. moksha: رهایی، خلاصی. بنابر عقیده هندو (و غالب مذاهب بومی هندوستان) هنگامی که شخصی در می‌گذرد و قالب تهی می‌کند روح از بدن می‌رود و پس از اندک زمانی بنابر اعمالی که مرتکب شده به قالب دیگر درآمده و از نو زائیده می‌شود، کلیه گناهان دوره حیات قبلی او در حیات بعدی اثر می‌گذارد و هرکس پاداش عمل (کرم karma) خود را می‌بیند، مادام که آثار کردار بد یا نیک او باقی است ناگزیر باید از پره چرخ زندگی یا دولاب تولد و مرگ بگذرد و در این رفت‌وآمدهای مکرر کیفر سیئات و پاداش حسنات خود را ببیند. بنابر عقیده دسته‌ای از مردم، زندگی و مرگ عبارت از وجود یا فنا نیست بلکه عبارتست از تبدیل لباس و تغییر قالب و تا هنگامی که شخصی از طریق تقوی، پرهیزگاری، عفاف، ریاضت و قدس به درجه تجات ابدی نرسد از رنج تولد و مرگ جدید نجات نخواهد یافت (همان: ۵۸۱).

۱۰. Brahma (Brahman): خدای آفرینش، ایزد پیدایش، فرد اول از خدایان سه‌گانه هندو و روح اعلی که به صورت خالق جهان ظاهر شده است. او از تخم جهان (هرن گریه) که از علل اولیه پیدا شد به وجود آمد و همان پرچاپ است که خداوند و پدر کلیه مخلوقات و مخصوصاً پدر ریشی‌ها یا دیگر پرچاپ‌هاست. بنابر این اساطیر هندو وقتی برهما عالم را خلق کرد برای مدت یک روز برهمایی که طول آن ۲۱۶۰۰۰۰۰۰ سال است جهان بی‌تغییر مانده و سپس هنگامی که (برهما) در خواب به سر می‌برد جهان و هرچه در آن است طعمه آتش می‌شود. اما دانشمندان (ریشی‌ها) و خدایان و عناصر باقی می‌مانند و چون دوباره بیدار می‌شوند، جهان را از نو می‌آفرینند و این عمل برای مدت ۱۰۰ سال برهمایی همچنان تکرار می‌شود، برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتب

(اعظم‌لطفی، ۱۳۹۰: ۳۶)؛ (Wilkins, 2003: 43) و (Dowson, 2005: 58).

۱۱. شنکر آچارج: بزرگترین معلم مکتب ودانت (۷۸۸-۸۲۰ م).

۱۲. Jira: نفس.

۱۳. Brahma: خدا

۱۴. madhova: فیلسوف ودایی قرن چهاردهم میلادی.

۱۵. dvaita(dualism): دوگانگانگاری.

۱۶. sankara (shankara): شانکارا، فیلسوف ودایی.

۱۷. monism: وحدت‌انگاری.

۱۸. Ramanuja: فیلسوف ودایی.

۱۹. visistadvaita: وحدت‌انگاری مکیف، ویشتا دیوایتا (qualified monism).

۲۰. Tandova: رقص عرفانی شیوا، رقص بصیرت.

21. Shakti: الهه قدرت.

۲۲. Puranaha

Tantara

۲۴. Birag: سوامی بهوپت رای بیراگی شاعر پارسی گویی غیرمسلمان که در بخش‌های عرفانی و وحدت‌الوجود به پارسی شعر می‌سرود. وی به "بی‌غم" تخلص داشت.

۲۵. Yajurved: (به پی‌نوشت ۳ رجوع شود).

۲۶. Namashkar: درود و سلام با ادب و احترام.

۲۷. apankhat tij bindu: قطره نور از اتهرویدا قسمتی از اتهر ویدا.

۲۸. apankhat nirsingha: آخرین اوپانیسادی که داراشکوه ترجمه کرده و از اتهرویدا است.

۲۹. parjapat: خداوند آفرینش، خدایی که ناظر بر مخلوقات و حافظ حیات است، اولین ایزدی که ذات مطلق او را خلق کرد (در وداها) این نام به مقام اعلای الوهیت اطلاق شده ولی بعدها به شیوا نیز اطلاق شده است.

۳۰. om (aum): اسم بزرگ، اسم اعظم، کلمه مقدسی که هنگام شروع و خاتمه تلاوت بیدها و ادعیه خوانده می‌شود. کلمه اوم ابتدای کتب مقدس نوشته می‌شود و شبیه کلمه هو عربی است. این کلمه را مرکب از سه حرف می‌دانند که هریک از بیدی گرفته شده است (نائینی، ۱۳۸۱ ج ۲: ۵۰۶).

۳۱. apankhat isha bas: علم آفریدگار بزرگ اپنکھت ایشاباس.

۳۲. hiran garbh: خدای تمام آفرینش و نگاهدارنده زمین و آسمان که زندگی و نفس به همه می‌بخشد (همان: ۶۴۹).

۳۳. jyotisvarupa: ذاتی که به صورت نور است؛ عین نور (همان: ۵۱۹).

## فهرست منابع

- اعظم‌لطفی، فرزانه. ۱۳۹۰. فرهنگ تلمیحات: اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی، مذهبی در زبان و ادبیات اردو - هندی، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- رستگار فسائی، منصور. ۱۳۸۳. پیکرگردانی در اساطیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاتوک، سی‌بل. ۱۳۸۲. آیین هندو، ترجمه: محمدرضا بدیعی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شایگان، داریوش. ۱۳۸۳. ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- قرایی، فیاض. ۱۳۸۵. *ادیان هند*، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ناس، جان بایر. ۱۳۸۷. *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نائینی، جلال. ۱۳۸۱. *اوپانیشاد*، ۲جلدی، تهران: انتشارات علمی.
- هیوم، رابرت ا. ۱۳۸۵. *ادیان زنده جهان*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

#### Reference list

- Abdullah, S.M. (1992). *Adabiyat-I Farsi men Hinduno kahissan*, India: Anjoman-e Taraghi-ye Urdu.
- Dowson, j. (2005). *A classical dictionary of Hindu mythology and religion geography, history and literature*. (58), New Delhi: D.K. Print World.
- Flood, G. (2004). *An introduction to Hinduism*, Cambridge: university press.
- Fowler, j. (2004). *Hinduism Beliefs, practices and scriptures*, New Delhi: A darsh books, an imprint of kusum publishing.
- Gupta, s.p. prabha, A. (2002). *Elements of Indian art*, New Delhi: D.K. Print world (p) Ltd.
- Joshi, K.L. Bimali, O.N. & Trivedi, B. (2006). *112 upanisads: an exhaustive introduction, Sanskrit text, English translation and index of verses*, vol.1, vol.2, vol.3, NewDelhi: parimal publications.
- Leyngar, T.R.R. (2004). *Hinduism and scientific Quest*. New Delhi: D.K. Print World LTD.
- Lyengar, T.R.R. (2003). *Dictionary of Hindu Gods and Goddesses*. New Delhi: D.K. Print world (P) Ltd.
- Majumdar, A.K. (2008). *The Hindu history*, New Delhi: pupa & co.
- Virsingh, D. (2005). *Hinduism and introduction*, jaipur: Surabhi prakash.
- Wilkins, w. J. (2003). *Hindu mythology*, New Delhi: D.K. Print World.

